

محدثه علی جانزاده روشن

خویشاوند حقیقت دشت ابرهای تحریف

پرونده
ویژه

روضه آهوی لیلا و بالین علی اکبر:

تحریف کرده‌اند که حضرت علی اکبر علیه السلام به میدان رفت. امام به لیلا، مادر علی اکبر علیه السلام فرمودند که برو در فلان خیمه خلوت، مو پریشان کن و در حق فرزندت دعا کن! از جدم شنیدم که دعای مادر در حق فرزند مستجاب می‌شود، شاید خداوند این فرزند را سالم به ما برگرداند.

ابتدای امر این که لیلائی در کربلا نبوده که چنین کند. ثانیاً منطق حسین، این نیست. منطق حسین در روز عاشورا، منطق جانبازی است. ایشان به همه اجازه برگشت داده بودند و برای جنگ هر کس که ماند، با رخصت امام به میدان نبرد می‌رفت.

عروسی قاسم:

تحریف کرده‌اند که در گرمای زد و خورد و جنگ، امام می‌خواهند دو رکعت نماز خوف بخوانند. دو نفر سپر و فدایی شدند تا تیری به امام نخورد. و در حین عمل نماز، امام یادشان می‌افتد که برای قاسم عروسی بر پا کنند و می‌فرمایند: حجله عروسی راه بیندازید. من می‌خواهم عروسی قاسم را ببینم و قاسم با یکی از دخترهایم ازدواج کند! موضوعی که تعزیه‌خوان‌های قدیم همیشه تکرار می‌کردند و عروسی نو کدخدای قیام کربلا، قاسم را ذکر می‌کردند، یعنی نو داماد، در هیچ کتب معتبر تاریخی نیامده است. ملاحسین کاشفی اولین کسی بود که به این موضوع پرداخت و دروغ نوشت.



مانند بسیاری وقایع دیگر که صحت و کذب‌شان، همچون معمایی بی‌پاسخ مانده و دستخوش تحریف شده است، واقعه تاریخی کربلا نیز از این آفت مصون نمانده است. با مطالعه و بررسی منابع معتبر می‌توان این جریان تحریف را در دو شکل تحریف لفظی و تحریف معنوی مشاهده کرد.

از بنیانگذاران و تحریف‌گران بدعت‌ها در حادثه کربلا، ملاحسین کاشفی است که در حدود پانصد سال پیش، اولین کتاب فارسی در باب مرثیه را نوشت و نام آن به «روضه الشهداء» معروف است. دروغ‌هایی که او در این کتاب نگاشت، سال‌های سال مورد استفاده مرثیه‌خوان‌ها بود. مرثیه‌خوان‌هایی که اغلب تحصیلات پایینی داشتند و نمی‌توانستند از کتاب‌های عربی استفاده کنند. بعد هم در پی این بهره‌وری، ملاآقا دربندی کتاب «اسرار الشهداء» را نوشت و کار ملاحسین کاشفی را کامل کرد و امروز حاصل کار آن‌ها این شده که می‌بینیم.

امام زین العابدین بیمار:

این مطلب مخصوص ما ایرانی‌هاست. غیر از زبان فارسی هیچ جای دیگر نیامده است. در زبان عربی هم چنین نیست. ایشان القاب زیادی داشتند. امام تنها در ایام حادثه عاشورا بیمار بودند و همان بیماری سبب نجات ایشان شد. وگرنه تصمیم داشتند که چندین بار او را به شهادت برسانند، و چون امام شدیداً بیمار بودند، به هوای مرگ بر اثر بیماری‌اش او را رها کردند. کسی نیست که تاکنون بیمار نشده باشد، ولی ما امام را به صورت یک بیمار زرد رنگ تب‌داری که همیشه عضا به دستش است و کمر خم کرده و راه می‌رود و آه می‌کشد، ترسیم کرده‌ایم! این تحریف است. حضرت سجاد علیه السلام همانند حضرت سیدالشهدا علیه السلام و امام محمدباقر علیه السلام از نظر مزاج و بنیه هیچ فرقی نداشتند. امام بعد از حادثه کربلا چهل سال زنده بودند و مانند همه انسان‌ها سالم بودند.

روضه وداع:

یکی دیگر از تحریف‌های واقعه کربلا این است که حضرت زینب هنگام وداع با برادر، امام را متوقف کردند و به ایشان فرمودند: وصیتی از مادر به یاد دارم. مادر به من گفته در چنین زمانی حسین مرا بگیر و از طرف من زیر گلویش را بیوس.

آمدن خواهر به قتلگاه:

تحریف دیگر این‌که؛ حضرت زینب علیها السلام در حال احتضار امام حسین، به قتلگاه آمدند و پای پیکر امام حسین علیه السلام نشستند در حالی که امام حسین علیه السلام مشغول جان دادن بود، خود را بر روی بدن مطهر او انداخته و می‌گفتند: تو برادر منی، تو امید مایی، تو پناه مایی، تو پشتیبان مایی. حضرت با گوشه چشمی به ایشان نگاهی کردند و فرمودند: به خیمه باز گرد که دلم را شکستی و غم را افزودی؟!

عدد کشتگان دشمن:

امام ۱۸۰۰ نفر را کشتند. این آمار در کتاب «اثبات الوصیه مسعودی» آمده است. اما در کتاب «اسرار الشهادة در بندی» که هزار سال بعد نگاشته شد، عدد کشته شدگان به سیصد هزار نفر و مقتولین حضرت ابوالفضل علیه السلام نیز به بیست و پنج هزار نفر رسیده‌اند! اگر امام سیصد هزار نفر را در هر ثانیه با شمشیر کشته باشد، هشتاد و سه ساعت و بیست دقیقه وقت می‌خواهد. و چون دیدند با طول روز جور در نمی‌آید، گفتند: روز عاشورا هفتاد و دو ساعت بوده است که البته باز هشتاد و سه ساعت، با روز هفتاد و دو ساعت نیز قابل اصلاح نیست! همین طور در مورد حضرت ابوالفضل علیه السلام نیز، کشتن آن تعداد شش ساعت و پنجاه و چند دقیقه طول می‌کشد. به علاوه جمعیت یک میلیون و ششصد هزار نفره‌ای را به لشکر عمر سعد نسبت داده بودند، که چنین جمعیتی در صحرای کربلا جا نمی‌گیرند! وسایل و اسباب جنگ برای این تعداد از کجا فراهم شده بود؟ در حالی که همه از کوفه بودند، و از شام و حجاز هم نبودند.

روضه مارکسیستی:

در کتاب «حسین وارث آدم»، نوشته دکتر علی شریعتی آمده که امام به سوی مرگ می‌شتابد، تنها و بی‌امید. او مظهر شکست آدم است و تعصبی بی‌حاصل خرج می‌دهد. پس شخصیت امام و نهضت او کجاست؟!

داستان شیر و قضا:

از یک مرد اسدی نقل شده که شبها شیری می‌آمد اطراف خیمه‌ها و عاقبت معلوم شد که آن شیر، حضرت علی علیه السلام اسد عرب است!!!
- روضه‌هایی که در آن‌ها اظهار تذلل پیش دشمن است. از قبیل التماس برای آب.
- قصه زبیده و قاسم ثانی در خاک ری و اطراف آن نیز از خیالات واهی است. قاسم‌بن حسن هیچ فرزندی نداشت و خود صغیر بود.

امام حسین علیه السلام کشته شد تا گناهان امت بخشیده شود:

صورتی که این بیان برگرفته از معتقدات مسیحیت است. مسیح به دار کشیده شد تا کفار گناهان امت باشد! این حرف دنیای مسیحیت است و با روح اسلام سازگاری ندارد و این تهمتی به شخصیت حضرت سیدالشهداست.

اظهار تأسف به خاطر کشته شدن مظلومانه امام حسین علیه السلام:

تحریف دیگر در مورد علت عزاداری برای امام حسین علیه السلام این است که معمولاً زاکرین سعی دارند شهادت امام را چنان جلوه دهند که شخصی مظلوم و بی‌تقصیر و بی‌جهت کشته شد و ضایع گشت و هدر رفت و این کشته شدن، تأثرآور است! اما حسین بن علی علیه السلام معصوم و بی‌تقصیر بود، اما خودش هدر نرفت. هر قطره خودش ارزش داشت و دارد؛ بی‌نهایت.
امام با شهادت خود، مؤثرترین رویداد بشر را رقم زد و نامش با آزادی، برابری عدالت، توحید، ترک خودپرستی است. حسینی که عالم دیوانه اوست.

منابع:

۱. سیری در سیره معصومین / خلاصه آثار شهید مطهری / ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام / جلد ۲
۲. حماسه حسینی / شهید مطهری / جلد ۱ / انتشارات صدرا
۳. حماسه حسینی / شهید مطهری / جلد ۲ / انتشارات صدرا
۴. ده گفتار / شهید مطهری / انتشارات صدرا

